



کتاب «انسان و حیوان» از اولین کتب منتشر شده صادق هدایت است، برای نخستین بار این کتاب در سال ۱۳۰۴ توسط مطبعه بروخیم چاپ و منتشر شد. گرچه کتابی است کوچک ولی برای نگارش آن صادق هدایت کوشش‌های بسیاری کرده است. در صفحه اول چاپ نخستین این

کتاب برادر صادق هدایت، عیسی هدایت نوشته است: «این کتاب را اخوی صادق خان دادند به تاریخ جمعه ۲۵ ثور ۱۳۰۴ مطابق ۲۶ اردیبهشت»، بعد عیسی هدایت اضافه کرده است «صادق هدایت ۲۳ سال داشت که این کتاب را چاپ کرد». این کتاب در قطع کوچک ۱۷×۱۰ سانتی‌متر چاپ شده است که جمعاً ۸۵ صفحه دارد. در ابتدای کتاب صادق هدایت نقاشی خود را که در مورد انسان و حیوان کشیده است چاپ کرده که این نقاشی ملهم از تصاویری است که در مجلات فرانسوی «حمایت حیوانات» دیده است. در این نقاشی فرشته عدالت با ترازوی عدل و داد در وسط ایستاده و ستاره‌ای بر فرق سر او می‌درخشد. در طرف راست صیاد بدیهیتی مجهز به تفنگ و نیزه و قمه و زنجیر و قفس و تله و ساطور از عظمت فرشته خوف کرده و در خود مانده است. در طرف دیگر حیواناتی چون پرندگان و اسب و شیر و الاغ و سگ و خرس و غیره در پناه فرشته متجی گرد آمده‌اند و در پشت سر فرشته آهویی می‌دود و آفتاب نیز در افق نوردست می‌درخشد. این نقاشی صادق هدایت بیانگر عشق مفرط او به عدل و داد و دوستی در تمام سرزمین‌ها و بازداشتن اهرمن از ظلم و کشتار و ستم است.

ولی نوشتن این کتاب برای صادق هدایت مقدمه جالب دیگری قبل از نگارش آن داشته است، او قبل از مسافرت به اروپا بر اثر عشق و علاقه مفرط به حیوانات و طبیعت مجله‌ای را در فرانسه آئونه شده بوده است. مجله des

کتاب «انسان و حیوان» از اولین کتب منتشر شده صادق هدایت است. از این مجله شماره‌های ۲۶ تا ۶۳ از سپتامبر ۱۹۲۳ تا دسامبر ۱۹۲۵ در دست است که جلد شده و در بالای شماره اول (۲۶) Sadeq Hedayat نوشته شده است. این مجله در حمایت از حیوانات در مقابل ظلم و ستم و حفظ محیطزیست از دستبردهای انسان منتشر شده است. صادق هدایت بسیاری از صفحات مجلات را مشخص کرده و یا حاشیه‌نویسی کرده است. آئونه شدن این مجله از فرانسه و مطالعه و بررسی آن نشانگر این حقیقت است که صادق هدایت به طبیعت، به محیط زیست جانداران این کره خاکی، به حق و حقوق حیوانات در این دنیا و تعدی بشر به زندگی و طبیعت و محیط زیست به چه حد توجه داشته و سعی می‌کرده در این زمینه در آثار خود این ظلم و تجاوز را برای همه آشکار کند. این مجلات و محتوای آن‌ها دست‌مایه غنی و پرمحتوایی بوده که صادق هدایت با استفاده از آن‌ها کتاب «انسان و حیوان» و «فوائد گیاهخواری» را نوشته است.

کتاب انسان و حیوان صادق هدایت گونه‌ای اعلامیه حقوق دیگر موجودات روی کره زمین است که گرفتار انسان شده‌اند. در این زمینه او از هیچ کوششی فروگذار نکرده است. صادق هدایت می‌گوید: «پرنده برای قفس زائیده نشده» و «اسب و الاغ با زین و پالان متولد نمی‌شوند». او این اصل را مطرح می‌کند که بالاخره حیوانات چه حق و حقوقی دارند؟ بشر کار را به جایی رسانیده که نسل بسیاری از حیوانات در خطر انقراض است. حیوان هیچ احتیاجی به انسان ندارد و طبیعت از لحظه تولد تا زمان مرگ خود می‌تواند زندگی‌اش را اداره کند و این انسان است که در بسیاری موارد به حیوان نیازمند است. بشر بسیاری مواهب را از طبیعت دزدیده است. انسان چون گرگ‌هایی است که بره را از پستان خود شیر

می‌دهد تا خوب فریه شود و بعد او را ببرد. کتاب «انسان و حیوان» برای جلب ترحم بر حیوانات نیست، گونه‌ای دادخواهی دیگر موجودات از بشر غاصب است. صادق هدایت برای بی‌زبانان حرف می‌زند، از آنان دفاع می‌کند، برای ستم‌دیدگان دادخواهی می‌کند، احقاق حق زیردستان را می‌کند و تمام کوشش خود را مبدول می‌دارد تا از ظلم و جنایتی که برای مقام انسانیت لکه‌نگی بیش نیست جلوگیری کند. او برای دستیابی به قوانین و احکام، حنا از قرآن کریم مدد می‌جوید:

سوره نحل آیه ۷۹: «الم یروا الی الطیر مسخرات فی جو السماء ما یمسکمن الا الله ان فی ذلک لآیات لقوم یؤمنون»

و آیا در مرغان هوا نمی‌نگرند که جو آسمان مسخر آن‌هاست و به جز خدا کسی نگهدار آن‌ها نیست در این امر برای اهل ایمان نشانه‌هایی است از قدرت حق تعالی.

سوره انعام آیه ۳۸: «و ما من دابه فی الارض و لا طائر یطیر یجنحیه الا امم امثالکم ما فرطنا فی الکتاب من شیء ثم الی و ربهم یحشرون»

«محققاً بدانید که هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای که با دو بال در هوا پرواز می‌کند همگی طایفه‌ای مانند نوع بشر هستند. ما در کتاب آفرینش بیان هیچ چیز را فروگذار نکردیم آن‌گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند»

صادق هدایت از اوایل نوجوانی به گیاه‌خواری پرداخت و هرگز گوشت نخورد. می‌گفت: «من این جسدهای در حال فاسد شدن را نمی‌خورم.»

در افسانه‌های کهن ایران نیز در ارتباط با محیط زیست و انسان و حیوان، مواردی چند را متذکر می‌گردد. درباره مشی و مشیانه نخستین انسان و نخستین شهریار:

«سپس مشی و مشیانه گوسفند تیره رنگ سفید آرواره‌ای را یافتند و آن را کشتند و گوشت آن را بر آتشی که افروخته بودند کباب کردند و بدین گونه به گوشت‌خواری پرداختند. مشی و مشیانه هر چه بیشتر رو به فساد می‌روند در آغاز از آب، بعد از گیاه، سپس از شیر و سرانجام از گوشت تغذیه می‌کنند و خشونت و گناه به تدریج در آنان افزایش می‌یابد.»

در روایات ایرانی قدیم «جم» این ویژگی‌ها را دارد: در گات‌ها قدیمی‌ترین بخش اوستا آمده است: «جم گیاه‌خوار به شمار آمده که خوردن گوشت را به مردمان آموخت... جم مرتکب گناهی شد و این گناه سبب گردید که فره از او جدا شود. کریستن سن نتیجه‌گیری می‌کند که عمدتاً گناه او را این می‌دانستند که خود نخستین بار گوشت حیوانات را خورد، یا فرمان خوردن آن را به مردمان داده است... و زردشت که با قربانی خونین مخالف است این کار او را [جم را] زشت شمرده است.

ویندیشمان در افسانه تزیل انسان و کمرنگ شدن سعادت او یکی از گناهانی که مرتکب می‌شود «از غذای گیاهی به غذای حیوانی روی آوردن» می‌باشد.

در کتاب مقدس (سفر تکوین): «گیاهان برای خوردن به انسان داده شده‌است»، «صلح میان انسان و حیوان هنگامی دیگر وجود ندارد که انسان آن را می‌کشد تا از گوشتش تغذیه کند.»

در افسانه‌های ایرانی مشی و مشیانه ابتدا از آب تغذیه می‌کردند، بعد از گیاه، بعد از شیر و سرانجام از گوشت که البته آخرین مرحله را سقوط انسان تلقی می‌کنند.

بلغمی منشاء اولین انسان را از گیاه ذکر کرده و نوشته است: «... پس دو درخت

گشتند به‌سان مردم یکی نر و یکی ماده... و از ایشان فرزندان آمدند و ایشان را مشی و مشیانه خوانند و اسلامیان آدم و حوا خوانند و این همه خلقت از ایشان پدید آمدند.»

ثعالی می‌گوید: «طهمورت کار شاهی را با شادی و شادمانی آغاز کرد... به پدید آوردن کارهای نو روی آورد و فرمان داد که چارپایان پرورش دهند و آن‌ها را به چراگاه‌ها روانه کنند و سگان را برای نگاه‌داری آن‌ها و دور کردن حیوانات درنده از آن‌ها به کار گیرند و رسم به کار گرفتن مرغان و جانوران شکاری را برای صید و پرورش اسبان را برای سواری برقرار کرد...»

در زمان پادشاهی هوشنگ پیشداد او کسی بود که آب‌ها را اندازه کرد و مردم را به کشاورزی تشویق کرد و از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها آگاه ساخت.

در بندهش روایت شده است که خروس و سگ برای مبارزه با دیوان و جادوگران آفریده شده‌اند.

در منابع اوستائی آمده است: «... آن گناهکاران برای خشنود کردن مردمان تکه‌های گوشت به آن‌ها دادند که بخورند.»

ویند یاد: «این جم زیبا پسر دیو نگهدار، زمین از چارپایان، ستوران و مردمان، سگان، پرنده‌گان و آتش‌های سرخ بر شد و چارپایان و ستوران و مردمان جا پیدا نمی‌کنند... جم زمین را با حلقه زرین به جنبش درآورده آن را با میخک زفت و می‌گفت: «ای سیندارمه محبوب، خود را بگستران و پهن شو برای مردمان، چارپایان و ستوران...» و جم زمین را دو سوم پهن‌تر از آنچه بود کرد. چارپایان، ستوران و مردمان در آنجا بنا بر میل خود اقامت‌گاهی یافتند آن گونه که می‌خواستند.»

از تفسیرهای پهلوی و سنسکریت چنین برمی‌آید که: «مردمان در دوران جم هنوز گوشت نمی‌خوردند بلکه فقط از گیاهان تغذیه می‌کردند. اهریمن که سرنوشت نابودی جم را به دست ضحاک طرح کرده بود ضحاک را با غذای حیوانی فریفت.»

همان گونه که ملاحظه می‌شود در اکثر افسانه‌های قدیمی ایرانی نیز پاکی و نیکویی در غذای گیاهی، و خیانت و اهرمن در غذای حیوانی ملحوظ است.

صادق هدایت در ایامی متجاوز از ۷۰ سال قبل به این جهان‌بینی استثنائی خود رسیده بود که دخالت بشر در محیط زیست و تضییع حقوق دیگر موجودات زنده به یک فاجعه جهانی منجر خواهد شد. اکنون این فاجعه با سنگینی دارد ضربات سهمگین خود را در تمام نقاط جهان برگزیده طبیعت و بشریت می‌کوبد و بشر در چنان وضعی که خود موجد آن است گیر افتاده که عاجز و ناتوان در شقای دردمانده است. واقعاً چنین بینش شفاف و واقعی را در آن ایام از نوادر افکار یک نویسنده باید تلقی کرد. این یادمان باشد که نخستین‌ها همیشه جای خود را دارند و هر پیشرفتی هم حاصل شود جای آن‌ها برنارک تفکر و تعقل این گونه مسائل می‌درخشد.

و به این ترتیب بود که کتاب «انسان و حیوان» انتشار یافت. بعدها این کتاب در مجموعه‌های گوناگون آثار صادق هدایت چاپ شدند ولی نخستین انتشار این کتاب در پیگیری انسانیت، شرافت نسل بشر، دفاع از حقوق حیوان، حفظ محیط زیست از خطاهای انسان‌ها و تجلی روح پاک و معصومیت در تمام دنیا چنان مقامی دارد که هرگز نادیده یا فراموش شدنی نیست. ♦